



پخش برنامه‌ها و سریال‌های ویژه ماه مبارک رمضان مدتی قبل به اتمام رسید. پیمان پان پان برنامه‌ها با آغاز فعالیت مدیریت جدید در معاونت سیاسی رسانه ملی همزمان شد. با بررسی برنامه‌های این مناسبت می‌توان به جست و جوی راهکارها و ظرفیت‌های جدید برای برنامه‌های مناسبستی تلویزیون پرداخت. به همین منظور نظرات متفاوت سه کارشناس رسانه و همچنین راهکارهای پیشنهادی آنها برای ارتقا برنامه‌های مناسبتی را جویا شدیم.

وارتقدین سریال‌ها

محمدرضا شاه حسینی، کارشناس رسانه گفت: برنامه‌های مناسبتی سیما چند سالی است که کارکرد اصلی خودشان در مناسبت‌های چون عید نوروز و ماه مبارک رمضان از دست داده‌اند. قبلا در چنین مناسبت‌های تلویزیون رنگ و بوی آن مقطع زمانی را می‌داد. مثلا برنامه‌های سیما در نوروز بوی عید می‌داد و مخصوصا در رمضان، طعم این ماه مبارک در سیما کاملا حس می‌شد. اما در سال‌های اخیر، غیر از برخی، اغلب برنامه‌ها در نوروز یا ماه رمضان را در هر مقطعی به‌دگری دیگری می‌توان پخش کرد. درباره سریال‌ها هم این مسئله هست. یعنی سال‌های قبل حداقل پنج صحنه افطاری در سریال‌ها دیده می‌شد اما سریال‌های امسال هیچ ربطی با ماه رمضان نداشته‌اند. مضاف بر اینکه کیفیت سریال‌سازی در شبکه‌های سیما به شدت افت کرده است. آمار اعلامی سیما مبنی بر اینکه پر مخاطب‌ترین سریال ماه رمضان فقط ۲۶ درصد بیننده دارد، گویای این وضعیت است.

وی درباره سریال‌های پخش شده در ماه رمضان هم بیان کرد: سریال «خوشنام» فارغ از محتوا که در جهت خودتجربی جامعه و مبتذل‌نمای خانواده ایرانی است، از نظر فرم و کیفیت سریال سازی خاکستر یک مینی سریال ۸ قسمتی است که به ۳۰ قسمت افزایش یافته است. سریال «از سرنوشت» هم در فصل چهارمیش همه ذهنیت‌ها نسبت به فصل‌های قبلی را ضایع کرد! این هم از مشکلات ساخت آثار ازبودیک در تلویزیون است که به‌جای ترفنی، وا می‌فکنند! «از سرنوشت» هم در این فصل خاصیت اصلی‌اش را از دست می‌دهد و در دام درامی کلیشه‌ای و اغراق‌های باورنکردنی افتاده و معلوم هم نیست که چه آموزه‌هایی دارد. شاید خود کسانی که این سریال را تولید کرده‌اند نتوانند آموزش‌هایی را آفرینند که این سریال در فصل‌های قبلی به اشتغال آفرینی و شوق جوانان برای کار و تولید می‌پرداخت، اما چنان اغراق‌آمیز شده و سایه مولودارم در آن پر رنگ است که مخاطب نمی‌تواند همدات‌پنداری کند. ضمن اینکه طرح سبک زندگی مغایر با سبک زندگی اسلامی- ایرانی و مسائل نظیر خودکشی... در این سریال، حتی با وجود محوریت موضوع تولید و اشتغال آفرینی، در نهایت به تربیت جوان سکولار می‌انجامد. هر چقدر که «نجلائی» ۱۱ شکوه و جذابیت داشت اما «نجلائی ۲» فرو کاست. بخشی از این مسئله به تغییر نقش اول زن سریال برمی گردد که نجسب است و در قواره یک اثر بار شده که فراتر از اغراق نیست. بعد هم اینکه داستانی به این اثر بار شده که فراتر از اغراق است. بخشی از اغراق برای مخاطب پذیرفتنی است اما وقتی دوز اغراق بالا می‌رود، به طنز و فکاهی تبدیل می‌شود. مثل فرار کردن چنده پاره اززنمان و نحوه نمایش دادن استخرات عراق و... البته جذابیت و بار مفهومی این سریال نسبت به دو سریال دیگر، بالاتر است اما باز هم مثل آنها مینی سریال است و کشدار شده است. سریال شبکه پنج در ماه رمضان را دیدیم.

شاه حسینی راهکارهایی برای ارتقا، برنامه‌های مناسبتی در سیما را این گونه توضیح داد: برخلاف مدیریت سریال‌های شبکه نمایش خانگی که نسلی است- چون بودجه سریال‌ها از طرف مدیریت پرداخت نمی‌شود- در شبکه‌های رسانه ملی اصل بر کار ایجابی است، یعنی باید بحث شود که چه چیزهایی تولید بشود. به همین دلیل باید یک تحول در فرآیند ساختاری تولید فیلم و سریال صدواسیما اتفاق بیفتد. به این ترتیب که این کار در مجموعه جمع‌شود و شبکه‌ها از ساخت سریال سلب شوند. حتی می‌تواند یک معاونت مستقل برای تولید سریال ایجاد گردد و با مرکز سیما فیلم با اصلاحاتی، متولی تولید فیلم و سریال زیر نظر نیازمندان متمرکز شود تا باری از دوشی بردارد یا زخمی را التیام بخشد. تکرار و وفور این امر در برخی مقاطع تلویزیون، باعث دلزدگی شده بود. نقطه قوت دیگر برنامه‌های امسال، بهره‌گیری از عناصر بصری جذاب بود که اوج آن را به‌نظر من، باید در برنامه «ماه من» شبکه سه سیما مثال زد. آرایه این برنامه در عین حالی که مؤلفه‌های نمایندهٔ شب، سحر و نور را نمایندگی می‌کردند و به‌نظر ساده و ایستای می‌رسیدند، اما با تمهیدات نورپردازی و استفاده از تصاویر و عناصر گرافیکی چشم‌نواز، تبدیل به مجموعه‌ای پویا شد که از امتیازات این برنامه نسبت به برنامه‌های مشابه خود به شمار می‌رفت. از دیگر نقاط قوت سیما در رضانی که گذشت، برنامه «زندگی پس از زندگی» بود. این برنامه با دست‌گذاشتن بر

ریاست رسانه ملی شود و شورای طرح و برنامه داشته باشد، نه به این صورت که یک سریال شب به شب تدوین شود و روی آنکه نباید که موجب افت شدید نظرات و کنترل شود. قدم دیگر این است که حجم تولید سریال کم شود چون حجم بالای تولید باعث افت کیفیت می‌شود.ایدهال این است که هم کیفیت و هم کمیت بالا باشد، اما وقتی قرار باشد یکی از این دو قربانی شود، بهتر است کمیت فدای کیفیت شود. مثلا لزومی ندارد در ماه رمضان همه شبکه‌ها سریال تولید کنند، می‌توان فقط یک سریال که قوی و قدرتمند باشد را روی آنتن برد که علاوه‌بر جذب همه مخاطبان رسانه ملی، آن دسته از مخاطبانی که تلویزیون نگاه نمی‌کنند را هم برگرداند. شبکه‌ها نیز می‌توانند کارگروه برنامه‌های مناسبتی راه‌اندازی کنند که در آنها طرح‌هایی درباره نوروز، ماه رمضان، محرم و... بررسی و به معاونت سیما ارائه شود. به ویژه برای اینکه در چنین مناسبت‌هایی تقارب موضوعی اتفاق نیفتد! مثلا در ماه رمضان برخی ساعات هر شبکه‌ای می‌زدیم، برنامه‌های مشابهی را می‌دیدیم. در نهایت نیز باید فرمایش رهبر معظم انقلاب در ابتدای دوران امامتشان سرلوحه کار مدیران رسانه ملی قرار بگیرد که فرمودند: «فیلم خنثی بی‌ اثر بی‌محتوا، بدون پیام، مطلقا پخش نکنید. برنامه بی‌فایده بی‌محتوایی که فقط یک وقت و یک فاصله زمانی را پر می‌کند مطلقا پخش نکنیم»

شیدا اسلامی کارشناس رسانه نیز درباره برنامه‌های مناسبتی سیما گفت: آنچه آشکار است و به‌وضوح به‌چشم می‌خورد، برنامه‌های افطار و سحر رمضان امسال، بر اساس یک آرایش اندیشیده و پیش طراحی‌شده دیده شده‌اند. هر یک از شبکه‌ها بیشترین همت خود را صرف آن کردند تا رویکرد برنامه‌های سحر و افطارشان با رویکرد و مأموریت اصلی شبکه منطبق باشد؛ اما آنچه در همهٔ این برنامه‌ها مشترک بود، تلاش برای ایجاد شگشام و منوعی بود؛ امری که در برخی مقاطع پیشین مغفول مانده بود و برخی برنامه‌های ویژه اوقات خاص رمضان، این اصل و ضرورت مهم جامعهٔ امروز را نادیده می‌گرفتند. اغلب افرادی که به برنامه‌های امسال سیما دعوت شدند، افرادی موفق و سرشار از امید بودند و رسانه نیز درصد نودبا برانگیختن حس ترحم و همنوایی جامعه با آنان، به سیاق برخی مقاطع، به‌بهای دوردن‌کردن مخاطب از جنبه‌های واقعی ماه میمانی خدا، فقط به وجه دست‌گیری از



تبیین‌شدهٔ حمیدلولایی با طنزهای همیشگی امیر کبرلایی‌زاده مستندآپ‌هایش، دچار آسیب شده و به ویژگی‌های شخصی بازیگران و سبواق شناخته‌شام تکیه کرده، اما با بازی درخشان فریده سیمامصور و منظومه‌ای که از کارنامه‌فرارگرفتن هومن حاجی‌عبداللهی و عباس جمشیدی ساخته شده، تبدیل می‌شود و داستانی صمیمی می‌سازد. سریال «نجلا» در فصل دوم هم موفق چندانید نداشت و ایرادات فصل اول آن، این بار با ورود داستان‌ها و شخصیت‌های فرعی‌ای چون ماجرای عشق سلیمه شد که از امتیازات این برنامه نسبت به برنامه‌های مشابه خود به شمار می‌رفت. از دیگر نقاط قوت سیما در رضانی که گذشت، برنامه «زندگی پس از زندگی» بود. این برنامه با دست‌گذاشتن بر



بررسی برنامه‌های ماه رمضان سیما در گفت‌وگو با کارشناسان

تاراهکارهایی برای ارتقای برنامه‌های مناسبتی

سهراب و ازدواج سهراب و... مانع از آن شده که داستان دست پزی را ماجرا داشته باشد. البته این به آن معنا نیست که ورود مضمون تولید ملی دلیل این فروکش کردن شعلهٔ داستان است، بلکه به‌نظر می‌آید به دلیل کشِ آامن بیش از حد و تکرار ماجرای کار و تولید که در فصل‌های قبل هم بوده، نویسنده خودبه‌خود با کمبود انرژی درام در این حلقه داستانی روبرو شده است. به نظر می‌رسد مجموعهٔ از سرنوشت هم با یاد در انتهای این فصل نقطه پایان خود را بگذارد یا فکری اساسی برای بدنهٔ درام با محوریت



زندگی دو شخصیت جذاب سهراب و هاشم بکند که چند فصل مخاطبانش را پای تلویزیون نشانده است.

اسلامی راهکارهای پیشنهادی خود برای ارتقای برنامه‌های مناسبتی سیما را هم این گونه مطرح کرد: پیشرفت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در حوزه برنامه‌سازی، در سال‌های اخیر بر روند کار برنامه سازان معارفی تلویزیون هم تاثیر گذاشته است؛ اما آنچه رافرمتر بر لبه تیغ طرح موضوعات مذهبی در جهان امروز را آسان می‌کند توجه به حوزه مغزافزار است. مغزافزار پویا و کارآمد است که می‌تواند هم از جنبه هنری و ساختار و روش‌شکل برنامه، آن را غنا ببخشد و هم رویکردها و شیوه بیان محتوا را هدایت کند. مغزافزار مناسب با ویژگی‌های مستلزم مطلوبیت آن،

«زمانه‌شناسی» و «مخاطب‌شناسی» را هم در دل خود دارد. بر این اساس برای بهبود برنامه‌های رضانی، به نظر ابتدا توجه به آثار نمایشی در نظر گرفته‌شده برای این ایام است که باید مورد توجه قرار گیرد. تولید برای این مناسبت ویژگی‌هایی دارد که مطلوبیت خود را از ویژگی‌های ماه مبارک رمضان وام می‌گیرد. رمضان ماه «همانی» خداوند است و فرهنگ دینی ما رمضان را ماه بهترین و بالنده‌ترین اوقات سال و حتی عمر می‌داند. در چنین ماهی، طبعاً باید گل سرسید برنامه‌های تلویزیون برای پخش تولید و انتخاب شوند. رهبر انقلاب در جایی فرموده‌اند که بهترین ساختارها و هزینه‌ها باید در حوزه معارف انجام شود و چه مناسبتی متناسبت‌تر و معارفی‌تر از رمضان. در این مناسبت باید برنامه‌هایی با عمق معارفی مناسب و هم نشاط‌آفرین و امیدبخش و روحیه‌افزا پخش شود. اما به‌طور صدقایی، می‌توانم به لزوم تولید سریال ویژه کودکان و نوجوانان برای ساعات قبل از افطار، تولید سریال‌های مناسب طنز یا با سوهیهای طنز در کنار تولید سریال‌های فاخر تاریخی و دینی به‌عنوان یک مجموعه همه‌جانبه‌نگار در کنار توجه به انتخاب مجریان توانمند برای اجرا در این برنامه‌ها و افزایش توجه به مستندسازی و گونه نمایشی در مجموعه آیت‌های برنامه‌های ترکیبی اشاره کنم. و مهم‌تر از همه اینکه ستاد برنامه‌ریزی برای رمضان ۱۴۰۲ باید از فدای تعطیلات عید سعید فطر تشکیل و آغاز به فعالیت کند تا نتیجه، حداقل در حوزه برنامه‌های ترکیبی که روزبانه‌ترند، قابل‌امتیان باشد.

نقاط قوت و ضعف

اوشه میرمعشری، کارشناس فرهنگی و منتقد رسانه نیز درباره سریال‌های ماه مبارک رمضان گفت: سریال «خوشنام»- شبکه اول- به دلیل تقلیدی بودن فیلمنامه از چند سریال کار چندان مطلوبی نبود. این بزرگ‌ترین نقطه ضعف این سریال محسوب می‌شده‌اما در مورد سریال «از سرنوشت-۴» می‌توانم بگویم، این برنامه‌ها در مورد سریال «از سرنوشت-۴» می‌توانم بگویم، پرداخت به‌ه که موضوع مربوط به شرکت‌های دانش بنیان مطلوب بوده و اگر برخی داستان‌های درام حاشیه‌ای غیر منطقی این مجموعه را درنظر نگیریم، سریال قابل قبولی را شاهد بودیم؛ ارزشمندن نشان دادن کار و تلاش، ناامید نشدن از شکست‌ها و شوکشان برای خودکفایی و رشد کشور از نکات مثبت فصل

که در هر فرهنگی حرام‌زاده به‌حساب می‌آید.

نوع نگاه سازنده به مسلمانان و ارتباطشان با زرتان اروپایی، به نوعی، ناچاری و اجبار در عین اختیار، ربط داده می‌شود، گویی که بخواهد بگوید، این زرتان هیچ شانس بهتری نداشت‌اند و به‌خاطر همین هم زندگی با این مسلمان پاکستانی را مجبوراً انتخاب کرده‌اند و این پیوند با سطح پایین‌تر از خود، تقصیر آنها نیست! در این میان، تفکرات و نگاه مرد مسلمان هم کاملاً از سبک زندگی این زرتان حذف شده است تا دلیل این پیوند هیچ علاقه و ربطی به اسلام و سبک زندگی مسلمانان نداشته باشد.

قابل لمسی اما...

فیلم بعد از عشق، کیفیت ساخت بالایی ندارد و فیلمنامه‌اش هم کاملاً هدف‌سافت است اما داستان خیانت و پنهان‌کاری با چاشنی هوس‌گرفتن یک مرد مسلمان، داستان را برای مخاطبین کتجکاو، پرکشش می‌کند.

ولی با این وجود، سازنده شادی زن انگلیسی نسبت به زندگی‌اش با همسرش و فریادش از رفت و آمدهای پرتنگ خانوادگی و ارزشی‌های پاکستانی و مسلمان همسرش، را انکار نمی‌کند و این قسمت‌های فیلم، مخاطبین علاقه‌مند به ادبیات را به یاد کتاب «مسجد پروانه» می‌اندازد که در آن کتاب هم دختری آمریکایی به نام «جی ویلو ویلسون» به مصر سفر می‌کند و طی این سفر با اسلام و مردم مصر بیشتر آشنا می‌شود و در نهایت هم مسلمان می‌شود و با جوانی مسلمان ازدواج می‌کند و در جای‌جای کتاب این زن آمریکایی از لذت روابط پرتنگ خانوادگی و ارزشی‌های فامیل همسرش برای او قائل هستند می‌گوید و خود را بسیار خوشبخت‌تر از زمانی می‌داند که در کشور خودش زندگی می‌کرده است. .

اینکه تصویر دختران به اسلام گرویده غربی، در ادبیات و خطرات مستندشان، تا این حد با چیزی که در فیلم‌ها و سریال‌ها از زندگی آنها توسط فیلمسازان به تصویر کشیده می‌شود تفاوت دارد، نشان از نگاه مناسبتی است که نمی‌تواند یا نمی‌خواهد خوشبختی این زنان را زیر سایه زندگی خانوادگی و دینی دیگر، بپذیرد.

فیلم بعد از عشق، با وجود پرداخت ضعیف و داستان کلیشه ایث، به‌خاطر محوریت شخصیت‌ها و به‌روز بودن صدغه‌هایش، مورد توجه مخاطبین و منتقدین قرار گرفت و توانست نمرات بالایی را در سایت‌های معتبر فیلم به دست بیاورد.

آرایش انقلابی شبکه‌های سیما مقدمه تحول

رسول شمالی ورزنده

تغییر و تحول مدیریتی که در سازمان صدواسیما صورت گرفت و پیمان جلیی به عنوان رئیس جدید رسانه ملی کار خود را در این سازمان آغاز کرد نوید این را داد که می‌خواهد یک تحول و دگرگونی اساسی را در شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و همچنین در بخش‌های اجرایی، فنی، خبر، اداری، مالی و... این سازمان بوجود آورد. به دنبال آن نیروهای جوان سکاندار سطح خاور مدیریت این سازمان شدند و شاهد تحول در سطح مدیریتی شبکه‌های تلویزیونی سراسری و تخصصی رسانه ملی بودیم. امید می‌رود که در آینده نزدیک شاهد تولید و پخش برنامه‌هایی با کیفیت و انقلابی از این شبکه‌ها باشیم. شبکه‌های سراسری یک و دو، شبکه چهار سیما، و همچنین شبکه‌های تخصصی مثل آموزش، قرآن و معارف و امید از جمله شبکه‌های تلویزیونی بودند که در گام اول در مسیر تحول نو در سازمان صدواسیما قرار گرفتند.

اما نکات بسیار مهمی که بایستی به آن توجه نمود این است که رئیس جدید رسانه ملی معتقد است که صدواسیما متعلق به مردم است و بایستی مردمی باقی بماند؛ در حقیقت او معتقد است که مردم باید به کمک و پاری صدواسیما بیایند و خودشان در برنامه سازی بطور مستقیم مشارکت داشته باشند و این معیارها نشان می‌دهد که صدواسیما به دلیل افزایش کیفیت برنامه‌ها و ارتقای سطح دانش و علم سازندگان و عوامل برنامه‌هاست. از طرفی هم احترام به ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلاب که جزء مطالبات مردم از رسانه ملی است بایستی در دستور کار مدیران شبکه‌های تلویزیونی قرار گیرد و از سویی هم بایستی مدیران شبکه‌های تلویزیونی به این موضوع دقت لازم را بکنند که برای جذب مخاطب بیشتر و کشاندن بیننده تلویزیونی پای برنامه‌ها نیاز است که ابتدا به مطالبات مردم از سازمان صدواسیما توجه کنند؛ برنامه‌هایی را برای پخش از آنتن تهیه و تولید کند که مردم قبول و تایید مردم انقلابی باشد و این امر می‌طلبد که فضای در صدواسیما شکل گیرد که برنامه‌سازان جوان و انقلابی و همچنین نیروهای با تجربه دلسوز انقلاب در این فضا وارد شوند و با مشارکت و همراهی مردم در تحول جدید سازمان صدواسیما سهیم و مشارکت داشته باشند.

به‌هرحال در دوره جدید مدیریت سازمان صدواسیما تحولات و دگرگونی‌های اساسی در این نهاد بزرگ و تاثیرگذار فرهنگی، هنری کشور نویدبخش آینده‌ای روشن است. بنابراین اساس کار این است که مدیران جوان شبکه‌های تلویزیونی براساس خط مشی‌های تعیین شده در دوره مدیریت جدید حرکت کنند امروز ما شاهد انقلاب فرهنگی، هنری که همواره مدنظر مردم انقلابی ما بوده و می‌بایست از مدتها پیش در سازمان صدواسیما اتفاق می‌افتاد را شاهد هستیم که در حال شکل گرفتن است و امیدواریم با آمن نیروهای مومن، دلسوز به انقلاب، متعهد به ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های بزرگ انقلاب بشکاد یک دگرگونی و تحول بنیادین که مد نظر مقام معظم رهبری و رئیس جدید رسانه ملی است را در این سازمان مهم فرهنگی هنری کشور باشیم؛ ان‌شاء‌الله.